

بررسی انواع تعارضات در اخلاق خانوادگی با خاستگاه روابط ناسالم جنسی قبل از ازدواج سیداحمد هاشمی علی آبادی^{*۱}

چکیده

خانواده بزرگ‌ترین مدرسه تربیتی است که در آن زیباترین عواطف بشری شکل می‌گیرد و محیط مناسبی را برای تعالی و بروز استعداد های نهفته انسانی فراهم می‌کند. شرط این مهم آن است که این نهاد کوچک ولی مؤثر بر اساس یک انتخاب دقیق شکل گیرد و روابط درون آن به‌ویژه رابطه زن و شوهر بر مبنای رعایت اخلاق و ابراز صحیح عواطف تنظیم شود. در این صورت است که آرامش حقیقی در آن تجلی می‌یابد و مفهوم حقیقی مسکن (محل سکونت) به ظهور می‌رسد. پیوسته این نهاد را عواملی از درون خانواده و بیرون آن تهدید می‌کند که بحث آسیب‌شناسی آن را در مسائل تربیتی و اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌کند. از جمله این آسیب‌ها روابط جنسی قبل از ازدواج است که اختلافات و تعارضاتی را در خانواده به وجود می‌آورد و حل دیر هنگام آن می‌تواند به فروپاشی خانواده منجر شود.

* - دانشجوی دکتری، گرایش قرآن و متون اسلامی.



ما در این تحقیق در پی آنیم که با روش کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل، برخی تعارضات حاصله از روابط قبل از ازدواج را بررسی نموده و نقش و تأثیر این روابط را در عرصه خانواده از جهت اخلاقی آسیب-شناسی کنیم و در صورت امکان راه‌حل‌هایی ارائه دهیم.

واژه‌های کلیدی

اخلاق، ازدواج، خانواده، تعارضات اخلاقی، روابط جنسی.

مقدمه

ارزش و جایگاه ازدواج و تشکیل خانواده در نگاه قرآن بسیار رفیع است و در کنار اهداف مهمی که بر ازدواج مترتب است - از جمله تکمیل شخصیت روحی و ایمانی انسان، ایجاد صمیمیت و عشق، استمرار و بقاء نسل بشر (نساء/۱)، حفظ نظام خانواده و گسترش روابط خانوادگی (حجرات/۱۳) و ارضاء صحیح امیال جنسی (مؤمنون/۵-۷) - قرآن مهم‌ترین هدف را «آرامش روحی و روانی» - که خود بستر ساز مؤدت و رحمت است - می‌داند.

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)

«و از نشانه‌های او این‌که از این‌که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.» (روم/۲۱)

این هدف و رسالت اساسی پیوسته در معرض آسیب‌ها و آفت‌هایی قرار دارد که ریشه‌یابی، پیشگیری و درمان آن را از اهمیت برخوردار می‌کند. در یک نمایه کلی عوامل مؤثر بر تعارضات و اختلافات خانوادگی را می‌توان به چند عامل تقسیم کرد:

۱- عوامل روان‌شناختی مثل مسائل شناختی و هوش زوجین، عدم پختگی و ناآشنایی با وظایف خود و حقوق و نیازهای همسر و عدم مهارت در برقراری روابط صحیح کلامی و غیر کلامی با همسر و خود برترینی و بدرفتاری و خلیقات بد مانند بخل و حسادت و ...

۲- عوامل اجتماعی و فرهنگی مثل دخالت‌های دیگران - که گاه در قالب سنت‌ها و آداب و رسوم شکل می‌گیرد - و زندگی شهری و توسعه صنعت و رسانه‌ها و دور شدن از خانواده‌های اصلی و حمایت آن‌ها و شکل‌گیری خانواده‌های هسته‌ای و اختلاف بسیار در تحصیلات و آداب و رسوم و ...

۳- عوامل اقتصادی مثل فقر و بیکاری و میزان دستمزد و سطح بالای توقعات و تجمل‌پرستی و حاکم شدن امتیازات مادی به جای ارزش‌های اخلاقی و نوع شغل مرد و نیز شاغل بودن زن و ...

۴- عوامل جسمانی و بدنی مثل اختلالات روانی شدید و برخی معلولیت‌ها و نازایی زن یا مرد و ویژگی‌های ظاهری زن و مرد و اعتیاد و ...

۵- عوامل دینی مثل تفاوت در مراتب ایمانی و عدم توجه به باورها و رفتار-های دینی و ارتکاب گناهانی مانند شرب خمر و سرگرمی‌های حرام و ...

۶- عوامل خانوادگی مثل محیط متفاوت رشد قبل از ازدواج و توقعات گوناگون فرزندان و روش‌های غلط تربیتی و شکاف نسل‌ها و ... (سالاری‌فر، ۱۳۸۷: ۲۳۰-۲۱۲)

از جمله این آسیب‌ها تعارضات اخلاقی در خانواده است که می‌تواند ریشه در شش عامل فوق داشته باشد و از جمله مباحث مهم تربیتی- اخلاقی است که تبیین صحیح آن و ریشه‌یابی این تعارضات و راه‌حل‌های برطرف کردن آن کمک ویژه‌ای به نهاد خانواده و پیشگیری از فروپاشی آن می‌کند.

آموزه‌های اسلام برای پیشگیری از تعارضات خانوادگی شامل توصیه‌های مربوط به همسرگزینی، نحوه اداره خانواده و حل اختلافات، نظام مراتب در خانواده، تحکیم باورهای دینی و توصیه‌های رفتاری است.



در بحث همسرگزینی شناخت شرایط لازم برای همسر و تطبیق بر فرد مورد نظر، تأکید بر کفویت و همسانی، توجه به معیارهای اصلی و رکن از جمله آموزه‌های اسلام است. (بقره/ ۲۲۱ و ۱۸۷ و تحریم/ ۵ و نور/ ۳ و مائده/ ۵).

قرآن با تعییر: (الْحَيَّاتُ لِلْحَيِّينَ وَالْخَيَّاتُونَ لِلْحَيَّاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ)؛ «زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک» (نور/ ۲۶)

به دنبال بینش دادن به افراد در گزینش همسری سالم و مناسب و همتای خود اوست.

در نحوه اداره و حل اختلافات نیز قرآن، پرهیز از خودرأیی و استبداد و مشورت در امور منزل را توصیه می‌کند. (بقره/ ۲۳۳ و شوری/ ۳۸ و نساء/ ۱۵ و ۳۵) و در بحث نظام مراتب به پذیرش مسئولیت‌ها و رعایت حقوق و مدیریت کلان پدر و جایگاه ویژه والدین و تقدم نظر آنها بر فرزند و ... تأکید شده است. (نساء/ ۳۴ و ۱۹ و بقره/ ۲۲۸ و اسراء/ ۲۳ و ۲۴)

و در بحث تحکیم باورهای اعتقادی اعتقاد به خداوند و نظارت وی در همه امور و پذیرش تقدیرات الهی همراه با التزام عملی به این باورها و انجام مناسک دینی سفارش اکید قرآن است.

در بحث توصیه‌های رفتاری نیز حفظ مرزهای رفتاری در درون و بیرون از خانواده، ارتباطات صحیح و همراه کرامت و عزت نفس، سفارش اسلام است. (جمعی از نویسندگان، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ۱۳۸۹: ۳۳۲)

ما در این تحقیق سعی داریم به عمده تعارضات اخلاقی که خاستگاه آن روابط ناسالم قبل از ازدواج است، پردازیم و ابتدا به تعریف واژگان کلیدی موثر در تحقیق اشاره نموده سپس اصل مسأله را بررسی می‌نماییم.

اخلاق

کلمه اخلاق یک واژه عربی است که مفرد آن «خُلِقَ» و «خُلِقَ» است و در لغت به معنای سجایا و منش های پایدار درونی اعم از خوب یا بد است که با اختیار انسان شکل می گیرد و ساخته می شود؛ در مقابل «خُلِقَ» که از همان ماده گرفته شده است و به شاکله و آفرینش بیرونی انسان گفته می شود و از اختیار انسان خارج است. از همین رو انسان بر اساس خُلُقش پاداش یا کیفر می بیند نه بر اساس خُلُقش. (نجارزادگان ۱۳۸۶: ۱۹)

بر این اساس اگر فعل اخلاقی از شخصی سرزند که در وجود او به صورت ملکه و صفت پایدار نباشد، به آن خُلُق نمی گویند چنان که ملاصدرا می فرماید:

«الْخُلُقُ مَلَکَةٌ یَصْدُرُ بِهَا عَنِ النَّفْسِ أَعْمَالٌ بِالسُّهُولَةِ مِنْ غَیْرِ تَقَدُّمٍ رَوِیَّةٌ»؛ «خُلُق، ملکه ای است که به خاطر وجود آن کارهای نفس بدون تفکر صادر می شود.» (صدرالمُتألّهین، ۱۹۸۱م، ج ۴: ۱۱۴).

به همین نکته ملا مهدی نراقی با کمی اختلاف تعبیر اشاره می فرماید:

«الْخُلُقُ عِبَارَةٌ عَنِ مَلَکَةِ لِلنَّفْسِ مُتَقَضِّیَةِ لِصُدُورِ الْأَعْمَالِ بِسُهُولَةٍ مِنْ دُونِ إِحْتِیاجٍ إِلَى فِکْرٍ وَ رَوِیَّةٍ» (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۵۵)

لذا رایج ترین و شایع ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در بین اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی، عبارت است از صفات و هیأت های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آنها به طور خود-جوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می شود. (مصباح یزدی ۱۳۸۱: ۱۳)

مباحث اخلاقی در دو حوزه «وظیفه یا عمل» و «منش یا خلق و خو» قابل طرح است. حوزه اول عهده دار تعیین رفتار درست اخلاقی است و حوزه دوم عهده دار تعیین صفات خوب و شایسته اخلاقی است. اخلاق



وظیفه به این سؤال پاسخ می‌دهد که یک فاعل اخلاقی چه عملی باید انجام دهد؟ و اخلاق منش به این سؤال که یک فرد اخلاقی باید دارای چه صفات و خصوصیتی باشد. در واقع اخلاق وظیفه مربوط به عرصه عمل است و اخلاق منش مربوط به عرصه بودن. یعنی یک فعل اخلاقی: اولاً باید صحیح باشد و ثانیاً خوب. لازم به ذکر است که این دو حوزه با هم ارتباط دو سویه دارد و به یکدیگر محتاج اند. (بوسلیکی، ۱۳۹۱: ۱۹۴-۱۹۲)

«اخلاق خانوادگی» (family ethics) از جمله ساحت‌های مهم اخلاق کاربردی است که فضائل و رذائل اخلاقی و بایدها و نبایدهای آن را در عرصه خانواده و در رابطهٔ اعضاء آن با یکدیگر مثل مهربانی و گذشت، احترام متقابل، مسئولیت‌پذیری و پاکیزگی و آراستگی بحث می‌کند و راه به جا آوردن وظایف اخلاقی و نحوه اجرای احکام اخلاقی را نشان می‌دهد.

این مفهوم با حوزه‌های دیگر اخلاق کاربردی چون اخلاق جنسی (sexualityethics)، اخلاق ازدواج (marriageethics) و اخلاق همسررداری در ارتباط تنگاتنگ است. به نظر می‌رسد غالباً اخلاق جنسی ناظر به روابط جنسی بین زن و مرد - ازدواج کرده باشند یا نباشند - می‌باشد؛ اخلاق خانواده، زن و مرد را در نقش پدر و مادر و رابطه آنها با فرزندان در نظر می‌گیرد و در اخلاق ازدواج، ارتباط زن و مرد در قالب نهاد ازدواج به عنوان یک قرارداد یا تعهد و حقوق قانونی متقابل هر یک مطرح می‌شود. (جمعی از نویسندگان، جستارهایی در اخلاق کاربردی، ۱۳۸۹: ۳۳۹)

در یک نگاه کلی از دیدگاه قرآن مبانی حقوقی و اخلاقی خانواده را که در معرض خطر تعارض و اختلاف قرار دارد، در چند اصل می‌توان برشمرد:



اصل تأمین نیازهای جنسی، اصل تأمین نیازهای عاطفی، اصل مشاوره و هم‌فکری در خانواده، اصل سرپرستی مرد در خانواده، اصل حکمیت و اصل انعطاف‌پذیری و چشم‌پوشی (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۷۰-۸۳)

تعارضات اخلاقی

تعارض: موقعیتی است که فاعل اخلاقی هم‌زمان دو یا چند وظیفه اخلاقی دارد که هر کدام به تنهایی وظیفه اوست ولی اتفاقاً و به دلیل هم‌زمانی نمی‌تواند همه آن‌ها را انجام دهد (بوسلیکی، ۱۳۹۱: ۶۱).

به طور کلی چهار عامل روان‌شناختی و درونی افراد و عامل محیط به معنای عام آن که شامل خانواده و جامعه است و عامل آموزش‌های اکتسابی و فرهنگی و عوامل مربوط به ماهیت مقوله اخلاق می‌تواند در ایجاد تعارضات اخلاقی سهم داشته باشد.

از سوی دیگر مبحث اخلاق، صرفاً یک بحث اجتماعی و در رابطه با دیگران نیست بلکه در نگاه متعالی قرآن کریم تعارضات اخلاقی می‌تواند در رابطه با خداوند و نیز رابطه انسان با خود و جهان هستی و موجودات آن و دیگر انسان‌ها به وقوع پیوندد. از این نظر اگر یک فعل برای جامعه هیچ ضرری نداشته باشد اما با کرامت انسانی و دستور خداوند در تضاد باشد یک فعل غیر اخلاقی به حساب می‌آید مثل خودارضایی یا هم‌جنس‌بازی در خلوت و بدون علف.

مبحث تعارض اخلاقی با بحث تراحم که در اصول فقه بحث می‌شود و مربوط به مقام امثال و انجام فعل از سوی مکلف است بیشترین قرابت را دارد. در نگاهی کلی تراحم به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف: تراحم میان انجام دو واجب

ب: تراحم میان ترک دو حرام

ج: تراحم میان انجام یک واجب و ترک یک حرام



گفتمان اخلاق به وزان گفتمان فقه دارای پنج حکم کلی واجب و مستحب و حرام و مکروه و مباح می‌باشد. فقط به جای کلمه واجب و مستحب، کلمه الزام به کار می‌رود.

علمای علم اصول اساسی‌ترین ملاک عقلی و شرعی ترجیح در نزاحم را میزان اهمیت هر یک از وظائف می‌دانند و در تشخیص اهمیت، از حکم عقل یا شرع استفاده می‌کنند و اگر در هیچ موردی حکم عقل و شرع نداشتیم مکلف، مختار است هر کدام را می‌خواهد انجام دهد. (آذربایجانی و دیلمی، ۱۳۸۷: ۸۴)

توجه به نتیجه افعال از مواردی است که مطمح نظر متون دینی و دانشمندان اسلامی قرار گرفته است به عنوان مثال آیت الله مصباح می‌فرماید: ارزش اخلاقی انسان تابع تأثیری است که فعل اخلاقی در تحصیل نتیجه مطلوب یعنی کمال و سعادت حقیقی انسان دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

در آیات شریفه قرآن نیز دستیابی به سعادت و رستگاری ابدی مهم-ترین نتیجه‌ای است که خداوند در ازای انجام تکالیف وعده می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید، باشد که رستگار شوید.» (حج / ۷۷)

در بحث تعارضات اخلاقی خانواده نیز باید به مسأله مهم و مهم توجه نمود. می‌توان بحث «حفظ آبرو» و «حفظ کانون خانواده» و «حفظ جان و مال» را در این عرصه جزء اولویت‌هایی شمرد که باید مورد نظر قرار گیرد.

روابط جنسی

منظور از رابطه، مجموع رفتارهای متقابل و کنش و واکنش‌های دو جانبه است (انوری، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۵۳۱). و در بحث مورد نظر:

یک نوع تعامل است که گاه به صورت دوطرفه و با رضایت و گاه یک طرفه و در قالب روابط فیزیکی و جسمانی مثل دست دادن یا سخن گفتن و روابط اجتماعی مثل مسافرت و روابط عاطفی مثل محبت کردن برقرار می‌شود.

به صورت کلی روابطی که نتیجه و ثمره آن تحقیر شخصیت و اهانت به افراد باشد روابط ناسالم و روابطی که بر پایه کرامت و بر اساس همدلی مثبت صورت گیرد روابط سالم نامیده می‌شود. (حسینی، ۳۳-۳۰: ۱۳۸۹)

در یک نگاه می‌توان انواع روابط و برخورهای دختر و پسر را در این چند نوع خلاصه کرد:

- برخورد مبتنی بر شناخت و احترام متقابل

- برخورد مبتنی بر شرم افراطی

- برخورد خشک و محدود

- برخورد مبتنی بر پرخاشگری

- روابط پنهانی

- برخوردهای غیرعادی و ناپخته

- افراط در معاشرت (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۹)

قرآن کریم در سوره قصص از نوع سالم این روابط یک نمونه مثال می‌زند که در آن پیام ارتباطی بر اساس کرامت و کمک به هم‌نوع است و در حد ضرورت اجتماعی به صورت خلاصه از هر دو طرف صادر می‌شود.

(و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْتَفُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَ أُنُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ)؛ «و چون [موسی] به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دام‌های خود را] آب می‌دادند، و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می‌کردند. [موسی] گفت:



«منظورتان [از این کار] چیست؟» گفتند: «ما به گوسفندان خود [آب نمی‌دهیم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند، و پدر ما پیری سالخورده است.» (قصص/۲۳)

واژه جنسی، در فرهنگ «دهخدا» صفت نسبی است؛ یعنی منسوب به جنس و در اصطلاح متداول امروزی، آنچه مربوط به امور شهوانی است. و جاذبه جنسی کششی است که از نظر غریزه جنسی بین دو موجود نر و ماده پدید می‌آید. (دهخدا، ج ۵: ۷۸۷۶)

گفتنی است که گاهی از جنس، معنای عام اراده می‌شود؛ به طوری که به تفاوت‌های جسمی و روانی دو جنس اشاره دارد. مثلاً گفته می‌شود: هوش دختر بیشتر است یا پسر؟ در این گونه موارد «جنسیت» مورد نظر است و در منابع انگلیسی واژه «Gender identity» یا «Gender» به آن اشاره دارد.

و گاهی از آن معنای خاص اراده می‌شود که به غریزه جنسی، کارکرد جنسی، بلوغ جنسی، آموزش جنسی و رشد جنسی اشاره دارد. (ثابت، ۱۳۸۶: ۴۳ و ۴۴)

در این پژوهش همین معنای دوم مورد استفاده قرار گرفته است. و لذا با توجه به معنای دو واژه فوق، ترکیب «روابط جنسی» را می‌توان به معنای تعامل دو جنس مذکر و مؤنث در امور شهوانی دانست که گاه به صورت سالم و براساس احترام و تکریم شخصیت صورت می‌گیرد و گاه به صورت ناسالم و بر مبنای تحقیر و سوء استفاده از یکدیگر و بر پایه هیجانات و احساسات و غرائز و بدون تعقل شکل می‌گیرد و هیچ‌گونه مسئولیت اخلاقی و حقوقی پذیرفته نمی‌شود به ویژه که نوع این روابط به صورت پنهانی و دور از نظر دیگران اتفاق می‌افتد و همین، خطر را دوچندان می‌کند. مشکل اصلی این روابط، پیام‌هایی است که ردّ و بدل می‌شود و گاه با عنوان فریبنده شناخت و ازدواج صورت می‌گیرد.



نقش روابط جنسی در خانواده از این جهت حائز اهمیت است که تأثیر قطعی بر روابط اخلاقی و عاطفی زوجین و سازگاری آن دو دارد و هرچه این روابط سالم‌تر و همراه با شناخت صحیح و مهارت درست باشد در پویایی و دوام خانواده سهم بیشتری خواهد داشت. و از سوی دیگر روابط جنسی ناسالم تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم بر روابط زناشویی و اخلاقی خواهد گذاشت.

لازم به ذکر است که در دیدگاه قرآن کریم برقراری ارتباط جنسی فقط در قالب ازدواج دائم یا موقت و یا ملک یمین (کنیز) پذیرفتنی و مطابق با کرامت انسانی است و سایر ارتباط‌های جنسی و به قصد شهوت در هر قالبی، تعدی به حدود الهی و غیر قابل قبول و ناسالم است.

(وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ)؛ «و [مومنین] کسانی هستند که پاکدامنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد در گذرند گانند.» (مؤمنون/۵-۷)

در تلقی انحراف جنسی و روابط ناسالم، ابعاد مهم حقوقی، اجتماعی، عوارض اخلاقی، پزشکی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی، فرهنگ‌ها و عرف‌های حاکم بر جامعه، ارزش‌های دینی و بایدها و نبایدهای عقلی و ... دخیل است، لذا گاهی در یک عرف و فرهنگ، یک رفتار جنسی ضد ارزش و انحراف به حساب می‌آید، ولی در فرهنگ دیگر حتی رنگ قانونی و حقوقی به خود می‌گیرد.

اما بر مبنای حکیمانۀ قرآن کریم ارتباط‌های قبل و بعد از ازدواج و خارج از محدوده ازدواج، مردود شمرده شده است و در سه آیه به این مسأله اشاره شده است.



وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ قَتِيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ «و هر کس از شما، از نظر مالی نمی تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] در آورد، پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند]؛ و خدا به ایمان شما داناتر است. [همه] از یکدیگر بگریید. پس آنان را با اجازه خانواده شان به همسری [خود] در آورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آن که] پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست گیران پنهانی نباشند. پس چون به ازدواج [شما] درآمدند، اگر مرتکب فحشا شدند، پس بر آنان نیمی از عذاب [مجازات] زنان آزاد است. این [پیشنهاد زناشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آرایش گناه بیم دارد؛ و صبر کردن، برای شما بهتر است، و خداوند آمرزنده مهربان است» (نساء/ ۲۵)

(الْيَوْمَ أَحْلَلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)؛ «امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آن که مهرهایشان را به ایشان بدهید، در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آن که زنان را در پنهانی دوست خود بگیریید. و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت از زیانکاران است.



(وَ لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنُتُمْ فِی أَنْفُسِكُمْ عَلَیْمَ اللَّهِ أَنْتُمْ سَتَذَكُرُونَهُنَّ وَ لَكِنْ لَا تَوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَ لَا تَغْزِمُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ یَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ مَا فِی أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِیْمٌ)؛ «و درباره آنچه شما به طور سربسته، از زنان [در عده وفات] خواستگاری کرده، یا [آن را] در دل پوشیده داشته‌اید، بر شما گناهی نیست. خدا می‌داندست که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد، ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید، مگر آن که سخنی پسندیده بگویید. و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید، تا زمان مقرر به سرآید، و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند. پس، از [مخالفت] او بترسید، و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است» (بقره/۲۳۵)

مهم‌ترین آسیب‌های روانی و اجتماعی این ارتباط‌ها عبارتند از:

الف: کاهش آرامش روانی و افزایش التهاب و اضطراب

ب: پیدایش تنوع‌خواهی و اثرگذاری آن بر انتخاب فرد در ازدواج آینده. در برخی موارد که این ارتباط‌ها به ازدواج نمی‌انجامد، جوانان بعد از ازدواج شروع به مقایسه قیافه و رفتار و اخلاق همسر خود با دوست قبلی می‌کنند و نمی‌توانند دل از زیبایی‌های کاذب قبلی بردارند و این زنگ خطر بزرگی برای ازدواج آن‌هاست.

ج: آلوده شدن به معصیت و سایر انحرافات جنسی و اخلاقی، در برخی موارد دختر و پسر برای وصال هم حاضر می‌شوند از خیلی از ارزش‌های الهی و انسانی دست بردارند متأسفانه گاهی مرتکب قتل و جنایت هم می‌شوند!

د: از بین رفتن کرامت انسانی و از دست دادن سرمایه زندگی به علت غرق شدن در گرداب شهوات.

هـ: در جوامع غربی این ارتباط‌ها آثار مخرب تری به جای گذاشته از جمله افزایش روابط نامشروع، حاملگی‌های ناخواسته، ازدیاد غیرقابل



کنترل سقط جنین، افزایش خانواده‌های تک فرزندی که مجبورند با یکی از والدین زندگی کنند، روسپی‌گری و گسترش بیماری‌های مقاربتی. (زارعی، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

ایجاد جو بدبینی (در صورتی که این ارتباط‌ها به ازدواج منتهی نشود)، افزایش آمار طلاق به علت انتخاب‌های سطحی و خیابانی، افت تحصیلی، رواج فرهنگ غرب، دل‌سرد شدن نسبت به تشکیل خانواده، تأخیر در ازدواج، بروز سایر انحرافات جنسی و اخلاقی، از بین رفتن غیرت مردانگی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر بعد از ازدواج، معتاد شدن به این ارتباط‌ها حتی بعد از ازدواج و ... از دیگر پیامدهای این ارتباط‌هاست. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۲۸)

رشد این ارتباط‌ها نشان از یک مسئله مهم جامعه‌شناختی و یک ناهنجاری رفتاری است که اگر به موقع و به نحو صحیح بررسی و حل نگردد، موجب بروز بسیاری از انحرافات جنسی و ازدواج‌های بی‌معیار و میزان و در نتیجه رشد طلاق و بزهکاری و پرداخت هزینه سنگین درمان این انحرافات خواهد شد. این مسئله، ریشه در یک نیاز طبیعی در نسل جوان دارد و آن هم «استقلال طلبی» و «بحث مهم همسرگزینی و ازدواج» است، ولی برآوردن این نیاز در این قالب خود معلول عواملی چند است مثل:

کم شدن بنیه ایمان و تقوا در سطح جامعه و خانواده‌ها، جهل جوانان به عواقب سوء این ارتباط‌ها، افت نظارت‌های صحیح خانواده‌ها به علت مشغله‌های امروزی، بالا رفتن سطح توقعات و تجملات اجتماعی به ویژه در بحث ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج به عللی از جمله درس و سربازی و شغل و مسکن، رشد تکنولوژی و کانال‌های مخرب اطلاعات برای نسل جوان، قبح زدایی رسانه‌های جمعی مثل سیما و سینما از این ارتباط‌ها، بحث مهم اختلاط زن و مرد در حد آزاد و بدون ضابطه، برخورد با فرهنگ‌های موازی مثل فرهنگ غرب، بروز

یک فرهنگ جدید در انتخاب همسر تحت عنوان دوستی قبل از ازدواج جهت شناخت، آشفته‌گی کانون خانواده، هسته‌ای تر شدن خانواده‌ها و گرایش به فردگرایی که خود از تبعات مدرنیته است، توسعه و سائل ارتباط جمعی مثل تلفن همراه و اینترنت و در نتیجه تسهیل در برقراری ارتباط و ...

آنچه در این ارتباط‌ها خیلی مهم است، ریشه روان‌شناختی این بحث در پسران و دختران است.

نوع این ارتباط‌ها از سوی پسران به عنوان «یک موفقیت اجتماعی»، «قدرت نمایی و زرنگی»، و «حیانتاً» (تغافل و سرگرمی) صورت می‌گیرد، به همین دلیل، دختران بیشترین ضربه را از این ارتباط‌ها می‌خورند.

از سوی دختران نیز معمولاً «عقده‌های درونی و کمبودهای محبتی» و «پناه‌جویی» و «قصد ازدواج» و «نوعی جاذبه» مهم‌ترین دلایل برقراری این ارتباط‌هاست.

قطعاً فضای حاکم بر این روابط نیز احساسات بر خاسته از شهوت و بدون تفکر و تعقل است (چرا که این احساسات نیز اگر چه پاک باشد از آثار روانی غریزه جنسی است)؛ به ویژه که هر دو طرف و به طور اخص دختران نمی‌خواهند طرف مقابل را از دست بدهند، لذا از هر راهی و کاری دریغ نمی‌ورزند تا طرف مقابل را به خود جلب کنند (به خصوص اگر دلبستگی شدید شده باشد) معمولاً در این فضا زیبایی‌ها بروز می‌کند و دختر و پسر آن گونه که هستند نشان نمی‌دهند، زیرا اصل دلبستگی و از دست ندادن و نیز مخفی کاری در این ارتباط‌ها حاکم است و این مهم‌ترین آفت در مسیر شناخت صحیح طرفین است.

فرق این ارتباط‌ها با ازدواج همین است که در ازدواج زشتی‌ها و زیبایی‌ها کنار هم وجود دارد ولی در این ارتباط‌ها فقط زیبایی است. پسری که بخیل است دست و دل بازی می‌کند، مدرک ندارد خود را دارای مدرک بالا معرفی می‌کند. موقعیت خانوادگی خود را در بهترین



وضع معرفی می‌کند و ... دختری هم که بد اخلاق‌ترین است در اوج محبت جلوه می‌کند، وضع پریشان خانواده‌اش را مخفی می‌کند و ... (معمولاً به جای نشان دادن شخصیت، موقعیت خود را معرفی می‌کنند!)

عنوان شناخت هم یک رهزن و فریب‌شیطانی است که در غالب موارد، حتی شناخت‌های سطحی و ابتدایی را هم نمی‌دهد، زیرا اصل پنهان‌کاری اجازه بروز نقص‌های اخلاقی و خانوادگی را نمی‌دهد. این ارتباط‌ها بر خلاف ازدواج حق دادن به خود است ولی در ازدواج حق دادن به غیر.

به علاوه این ارتباط‌ها نه تنها آتش شهوت را خاموش نمی‌سازد بلکه دست انسان را مثل یک تشنه جان به لب رسیده گرفته و بر لب آب می‌آورد و تشنه برمی‌گرداند و این خود باعث سردمزاجی و بیمار شدن غریزه جنسی می‌شود، مثل این که یک گرسنه را بر سر سفره آورید و او را از خوردن منع کنید (معمولاً این ارتباط‌ها در حد کلام و لمس و دیدار است) اگر هم این ارتباط‌ها به ازدواج بینجامد، سریع فروکش می‌کند. این گونه عشق‌ها که مشهور به «عشق شیدایی» هستند جوان را کر و کور می‌کند و نمی‌تواند زشتی‌ها را ببیند و شناخت صحیحی پیدا کند.

رسول گرامی اسلام می‌فرمایند:

«حُبُّكَ لِلنَّشَىٰ ۖ يُعْمِي ۖ وَ يُصِمُّ»؛ «محبت به یک چیزی تو را کر و کور

می‌کند» (من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۳۸۰)

علت اصلی این همه آثار مخرب هم مخفی و دور از نگاه والدین بودن و نیز عدم احساس مسئولیت و تعهد است. دختر و پسر در این فضای دوستی تعهدهای اخلاقی، عرفی، حقوقی و شرعی را بر دوش خود احساس نمی‌کنند، لذا در برخی موارد به یک مورد دوستی هم بسنده نمی‌کنند، به خصوص در مورد پسران که تجربه و آمار حکایت از یک بحران روحی و در نهایت یک سرگرمی خیابانی و اینترنتی می‌کند نه قصد ازدواج! (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۲۲-۳۲۶)

شاید بتوان مهم‌ترین ضرورت را در بحث ارتباط دختر و پسر وظیفه‌خاطر تعلیم و تربیت در «هویت‌یابی جنسی» نوجوانان برشمرد که نقش بازدارندگی خوبی در شکل‌گیری ارتباطات ناسالم جنسی دارد. هر چند پرورش هویت جنسی از همان دوران کودکی و با روش‌های صحیح و ظریف تربیتی باید در دستور کار والدین قرا گیرد تا فرزند توصیف صحیحی از هویت و ویژگی‌های خود و نیز مسئولیت‌های مطابق با نقش جنسی خود پیدا کند و نقش جنسی و اجتماعی خود را بر اساس آن پایه‌ریزی نماید اما روان‌شناسان حد فاصل سنین دوازده تا هجده سالگی را دوره حساس یافتن هویت می‌دانند. معمولاً نوع ارتباطات ناسالم نیز در همین سن هویت‌یابی اتفاق می‌افتد. در پرورش هویت جنسی بهتر است که جنس موافق مسئولیت تربیت را به عهده گیرد یعنی پدر برای فرزند پسر و مادر برای فرزند دختر زیرا کودکان الگویابی جنسیتی را از طریق فرایند همانندسازی با پدر و مادر از ۴-۵ سالگی آغاز می‌کنند و اگر جنس موافق عهده‌دار تربیت شود امر همانندسازی تسهیل می‌شود.

به‌طور خلاصه در هویت‌یابی و آموزش جنسی جهت جلوگیری از زمینه‌های بروز ارتباطات ناسالم به نکته‌های زیر باید توجه نمود:

۱- اعتدال در محبت به فرزندان و پرهیز از محبت بیش از اندازه والد جنسی مخالف به کودک

۲- پرهیز از تبعیض رفتاری در مورد دختر یا پسر در خانواده

۳- هماهنگی پوشش کودک با جنسیت او

۴- ایجاد تنوع و جهت‌دهی به بازی کودکان بر اساس جنسیت آنان

۵- پرهیز از تحمل ویژگی‌ها و رفتارهای یک جنس بر جنس دیگر

۶- واگذاری مسئولیت‌ها بر اساس جنسیت در خانه و بیرون از آن

۷- اظهار رضایت والدین به هم‌جنس خود در برابر فرزندان

۸- بیان طبیعی بودن تفاوت‌های دو جنس و لزوم این تفاوت‌ها برای

تکامل و پویایی. (فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۱۱)

تعارضات اخلاقی در عرصه خانواده با خاستگاه روابط ناسالم جنسی قبل از ازدواج

۱- گفتن یا نگفتن این ارتباطها در فرایند ازدواج

اولین چالش و تعارض اخلاقی در مورد روابط قبل از ازدواج در جلسه و فرایند خواستگاری پیش می آید به این صورت که آیا دختر یا پسر رابطه قبلی خود را با خواستگار خویش بازگوید یا نه؟ و در صورت گفتن چگونه و تا چه اندازه بگوید؟ از طرفی حق طرفین است که از گذشته خانوادگی و اجتماعی یکدیگر اطلاع داشته باشند زیرا گذشته افراد سهم مهمی در آینده آنها ایفاء می کند به خصوص اگر مسأله ای به زندگی آینده آنها مرتبط باشد مانند اختلالات روحی، اعتیاد، ارتباطهای غیر اخلاقی، ازدواج پیشین و ... و بالاخص در مورد دختر اگر این ارتباطها به صورت عمیق بوده باشد و حقی را از پسر تضییع کند.

امیر بیان روحی فداه به فرزند بزگوارشان امام مجتبی 7 می فرماید:

«...اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَفْهِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفْهِحُ مِنْ غَيْرِكَ وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ لَهُمْ مِنْكَ وَ لَا تَقُلْ بِمَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ...» (تحف العقول: ۷۴)

«پسرم خود را میان خویش و دیگری میزانی بشمار. پس آنچه برای خودت دوست داری برای دیگری هم دوست بدار و آنچه را برای خود نمی پسندی برای دیگری هم مپسند و ظلم نکن چنان که دوست نداری به تو ظلم شود و نیکی کن همان گونه که دوست داری به تو نیکی کنند و برای خود زشت بدان آنچه را برای دیگران زشت می دانی و برای خود از مردم چیزی را مپسند که برای آنها از سوی خود می پسندی و آنچه را نمی دانی نگو بلکه کل آنچه را هم که می دانی نگو و آنچه را دوست نداری به تو بگویند تو نیز نگو.»

از سوی دیگر حفظ آبرو از واجبات و الزامات مهم دینی و اخلاقی است و انسان حق ندارد آن را به راحتی از دست بدهد (همان اجتماع امر و نهی اصولی) به ویژه اگر مسأله در جامعه بروز یابد باعث قبح‌زدایی از این روابط می‌شود که خود محذور دیگری است. این تعارض یک تعارض توافقی است. لازم به ذکر است که اگر نگفتن به قصد از دست ندادن فرصت ازدواج یا شخص خواستگار باشد یک خوب اخلاقی است و تعارض نیست زیرا برای کسب منفعتی صورت گرفته است. و تعارض بین ارزش‌ها و منافع شخصی و هوای نفس و امیال و ارزش‌های عرفی، تعارض اخلاقی نیست.

همین مسأله بعد از ازدواج نیز پیش می‌آید که بگویید یا نگوید و نیز در مورد شخص سومی که از این ارتباط اطلاع دارد.

به نظر می‌رسد راه حل این تعارض با کمی دقت مشکل نباشد و طبق قاعده عقلی اهم و مهم می‌توان آن را به این صورت حل نمود:

اگر این ارتباط‌ها در حد ضعیف و قالب گفتاری و شنیداری بوده است و دیگران از آن اطلاعی ندارند و احتمال اطلاع نیز وجود ندارد، نگفتن آن در اولویت است و اگر حد ارتباط به مسائل جنسی کشیده است و احتمال اطلاع دیگران وجود دارد باید بازگو کند چرا که عیبی را که گفتن آن ازدواج را به هم می‌ریزد نگفتن آن زندگی را به هم خواهد ریخت و پر واضح است که طبق قاعده اهم و مهم باید جلو فرو ریختن زندگی را از سرچشمه گرفت.

۲- ازدواج کردن به خاطر به گناه افتادن یا ازدواج نکردن به خاطر مانع

نوع کسانی که تجربه چنین ارتباط‌هایی را دارند به خصوص اگر دچار اغفال و سوء استفاده قرار گرفته باشند، از نظر روانی دچار یک حالت بدبینی و ناامیدی نسبت به ازدواج آینده خود می‌شوند و این امر

فرصت‌های ازدواج به موقع را از آن‌ها می‌گیرد و یا آن‌که دچار یک نوع تنوع طلبی کاذب شده و ترس از انجام درست مسئولیت‌های زناشویی در وجود آن‌ها رسوخ می‌کند. حال اینان در شرایط به گناه افتادن، الزام اخلاقی به ازدواج پیدا می‌کنند و از سوی دیگر با وجود مورد مشکوک یا عدم اطمینان، عقل حکم به احتیاط و پرهیز از ازدواج را صادر می‌کند.

۳- ادامه دادن یا ندادن این ارتباطها بعد از ازدواج

سومین تعارض اخلاقی در عرصه خانواده و بعد از ازدواج صورت می‌گیرد و آن هم در صورتی است که اصل ارتباط در ازدواج مخفی نگه داشته شده است و اکنون پس از ازدواج نمی‌تواند از این ارتباط جدا شود یا به علت تهدید شخص مقابل و یا به علت دل‌بستگی شدید و اعتیاد به این ارتباطها (کسب عادت ثانویه جنسی) و یا به علت احساس گناه نمودن. با این توضیح که از طرفی باید به تعبیر قرآن حق معاشرت معروف را در مورد همسر خویش به جای آورد و تمام فرصت خود را به زندگی و همسر خویش اختصاص دهد.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث ببرید؛ و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] ببرید، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند، و با آنها بشایستگی رفتار کنید؛ و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد. (نساء/۱۹)

و از سوی دیگر قطع ارتباط تهدید جدی برای خود او یا خانواده وی یا شخص مرتبط خواهد بود.

۴- سقط فرزند حاصل از این ارتباطات یا عدم سقط آن

در برخی از ارتباطها که از حد عادی خارج می‌شود، پای فرزندى به میان می‌آید و این امر منجر به یک تعارض اخلاقی در حفظ یا از بین بردن این فرزند که یک نفس محترمه است، می‌شود. حفظ این فرزند طبق دستور دینی و عقلی و حقوقی است و از بین بردن او برای حفظ آبرو و جلوگیری از مشکلات عدیده‌ای که در آینده برای زندگی وی و حتی برای خود کودکی که از این طریق به دنیا آمده است، رخ خواهد داد. البته این مسأله را می‌توان در هر دو صورت ازدواج با نفر سوم و یا با شخص مرتبط یکسان نگاه کرد.

۵- خروج از ازدواج و اقدام حقوقی و یا ادامهٔ مسیر زندگی

در مواردی که همسر از قبل، این ارتباط را نمی‌دانسته و بعد از ازدواج متوجه می‌شود آیا می‌تواند از ازدواج به دلیل تدلیس یا عدم صداقت همسر خارج شود؟ یا آن که نهی از جدایی و طلاق را بپذیرد؛ با وجود این که می‌داند در روابط عاطفی او با همسرش حتماً خلل وارد خواهد شد و تا آخر زندگی نمی‌تواند با خود کنار آید. از سوی دیگر آیا می‌تواند اقدام حقوقی نموده و از باب نهی از منکر به دادگاه شکایت کند و یا باید حفظ آبرو نموده و سکوت کند؟ به ویژه که اثبات چنین مسائلی از نگاه دینی بسیار مشکل است.

(وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)؛ «وکسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید، و هیچگاه شهادتی از آنها نپذیرید، و اینانند

که خود فاسقند» (نور/۴)



۶- بررسی حد و مرز ارتباط یا کوتاه آمدن از آن

عقل حکم می‌کند که اگر انسان قبل از ازدواج متوجه چنین ارتباطاتی شد به علت تأثیر آن در زندگی آینده حتماً آن را ریزینانه بررسی کند اما اگر بعد از ازدواج متوجه آن شد، برای آرامش خود و رفع سوء تفاهم‌ها آیا می‌تواند خود به تحقیق پردازد یا همسر خود را در تگنا قرار داده و او را مجبور کند که موضوع را به صورت ریز برای وی بیان کند و یا آن‌که حفظ آبروی مؤمن را مد نظر گرفته و از کنار موضوع بگذرد. و به دستورات اخلاقی و دینی در مورد حسن ظن عمل کند و تجسس ننماید.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است» (حجرات/۱۲)

از یک طرف به فرموده حضرت امیر بیان روحی فدا:

«مَنْ سَاءَتْ ظُنُونُهُ اعْتَقَدَ الْخِيَانَةَ بِمَنْ لَّا يَخُونُهُ»؛ «کسی که بدگمان است کسی را که خائن نیست، خائن می‌پندارد» (غرر الحکم، ۱۴۱۰: ۶۴۱)

و از سوی دیگر به فرموده امام صادق ۷:

«لَا تَتَّقَنَّ بِأَخِيكَ كُلَّ الثَّقَةِ فَإِنَّ صَرْعَةَ الْأَسْتِرْسَالِ لَأَسْتَقَالُ»؛ «به برادر خود اعتماد مطلق نداشته باش زیرا که ضرر خوش‌باوری و خوش‌خیالی قابل جبران نیست.» (تحف العقول، ۱۴۰۴: ۳۵۷)

۷- محدود کردن همسر و کنترل وی یا آزاد گذاشتن

روشن است که همسر در صورت اطلاع بعد از ازدواج به یک شکاکیت مزمن و کشنده مبتلا می‌شود که آرامش را از وی سلب می‌کند. حال در این شرایط برای حفظ زندگی خویش و اطمینان آیا می‌تواند برخی آزادی‌های همسر را سلب کند و برای وی مانع تراشی کند و یا او را کنترل نماید (مثلاً در مورد زن، وی را حبس کند یا در مورد مرد برای کنترل او، زن بی‌اجازه از منزل خارج شود)؟

به خصوص اگر بحث نشوز یا خوف آن تحقق یابد، براساس آیات شریفه راه سلب برخی از امتیازات نیز هموار خواهد شد چنان که در سوره نساء می‌فرماید:

(الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْمَالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً)؛ «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آن که خدا برخی را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آن که از اموالشان خرج می‌کنند. پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند. و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید، که خدا والای بزرگ است» (نساء/۳۴)

یا این حق را به خاطر الزامات حقوقی ندارد؟ به خصوص که در برخی موارد سلب برخی از آزادی‌ها خود به آسیب‌ها و آفت‌های دیگری منجر می‌شود چنان که حضرت امیر بیان 7 می‌فرمایند:

«إِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالتَّبْرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ»؛ «از غیرت بی جا در مورد همسرت پرهیز زیرا غیرت بی جا همسر سالم را بیمار می کند و پاکدامن را به بدگمانی می کشاند!» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

لازم به ذکر است که گاه این شکاکیت از سوی همسری که خود ارتباط داشته صورت می گیرد و در برخی موارد تا سالها و حتی در ازدواج دادن فرزندان نیز بروز می کند و به سلب برخی آزادی ها می شود.

۸- دادن امتیازات ویژه و خاص به همسر یا ایستادگی در مقابل او

در مواردی که همسر متوجه این روابط شود به صورت طبیعی شخص مقصر به دادن امتیازاتی به همسر خود روی می آورد که گاه اعطاء این امتیازات کرامت و آزادی های طبیعی او را مورد خدشه قرار می دهد. مثلاً زن یا مرد توهین همسر را می پذیرد یا در مقابل او مجبور به بخشش حقوق مالی خود می شود! از طرفی باید از حق خویش دفاع کند و از سوی دیگر برای حفظ آبرو و یا حفظ کانون خانواده باید سکوت کند. و به ثواب صبر بر سوء رفتار همسر فکر کند که پیامبر رحمت فرمودند:

«مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَاحْتَسَبَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ (بِكُلِّ مَرَّةٍ) يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَى بَلَائِهِ»؛ «هر کس بر بد اخلاقی همسرش صبر کند و آن را به پای خدا بگذارد، خداوند هر بار صبر کردن او را با اجر ی هم چون اجر ایوب در مقابل بلاهایش جبران می کند.» (وسائل الشیعه، ج ۲۰: ۱۶۴)

۹- انجام یا ترک مسئولیت های زناشویی و خانوادگی

از جمله آسیب های مهم روابط ناسالم قبل و بعد از ازدواج تأثیر بر جسم و جان شخص است. یقیناً شخص مبتلا، به خصوص کسانی که دارای چند تجربه

ناسالم جنسی بوده‌اند به تنوع طلبی و ناپایداری جنسی (به ویژه در مردان)، مقایسه‌گری، تصویرگری ذهنی، سردمزاجی، افزایش التهاب و اضطراب و ... مبتلا می‌شوند. روشن است که هرچه انتظارات جنسی بالا رود ارتباط جنسی افت خواهد کرد و نتیجتاً به طلاق عاطفی منجر خواهد شد.

این امر در نتیجه به کم‌رنگ شدن مسئولیت‌های خانوادگی خواهد انجامید به ویژه در ازدواج دائم که - برخلاف ازدواج موقت - بنای اصلی بر مسئولیت‌های متعدد اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، عاطفی و جنسی قرار گرفته است و لذا پایداری آن بیشتر است. در این شرایط از یک سو براساس تعهد پذیرفته شده در ازدواج باید به وظائف و تکالیف خود خوب عمل کند و از سوی دیگر توان پاسخ‌گویی را به علل فوق ندارد که در مواردی نیز به تنیدگی‌ها و جدایی می‌انجامد و در مواردی ترس از تأثیر این ارتباط‌ها و نتایج حاصله از آن در فرزند و همسر.

چنان که در روایت داریم:

«يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ فَإِنِّي أَخْشَىٰ أَنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَّ أَنْ يَكُونَ مُحْتَنًا مُؤْتَنًا مُجَبَّلًا».

رسول گرامی اسلام فرمودند:

«علی جان با شهوت زنی دیگر با همسرت ارتباط برقرار نکن زیرا می‌ترسم بین شما فرزندی به وجود آید که خنثی، مؤنث‌نما، و دیوانه باشد!» (علل الشرایع، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۱۵)

از جمله تأثیرات مخرب این روابط کم‌رنگ کردن کارکرد تربیتی خانواده است چرا که با قبح‌زدایی از این روابط نهاد رقیبی برای خانواده به نام «همزیستی غیر خانوادگی» شکل می‌گیرد مانند کشورهای اروپایی که حتی رنگ قانون هم به خود می‌گیرد. در این صورت بحث پیچیده تربیت دچار چالش‌های جدی می‌شود.



از سوی دیگر فرزندان اگر متوجه این روابط شدند، والدین را به اقتضای امر به معروف نصیحت کنند یا احترام گرفته و نصیحت نکنند؟

۱۰- دروغ مصلحت‌آمیز یا راست فتنه‌انگیز

همان‌گونه که گفته شد این‌گونه ارتباط‌ها مشکلات روحی و روانی زیادی را در پی دارد مثلاً مقایسه‌گری باعث سردمزاجی و افول ارتباطات عاطفی بین دو همسر می‌شود و گاه مسأله به تنفر از همسر قانونی می‌کشد. در این شرایط آیا باید براساس مصلحت اهم که حفظ حریم خانواده و جلوگیری از فروپاشی و جدایی است، در ابراز دوستی، به همسر دروغ گفت و یا صداقت به خرج داده و حقیقت را عنوان کرد.

به ویژه که یکی از نیازهای عاطفی شدید در زن، ابراز دوستی مرد به وی آن هم در قالب کلامی است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 9: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: إِنِّي أُحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا». «گفته مرد به همسرش که من تو را دوست دارم هرگز از قلب او بیرون نمی‌رود.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۳۱۶)

البته نکته‌ای که همگان بر آن تأکید کرده‌اند آن است که دروغ به همسر - به هر معنایی که باشد - نباید حقی را ناحق کند یا موجب سقوط یکی از وظائف زن یا شوهر یا باعث قطع نفقه زن گردد؛ بنابراین دروغ در محدوده تکالیف زن و مرد جایی ندارد. در تفسیر دروغ به زن نیز غالباً دو نظر وجود دارد:

برخی منظور از آن را وعده‌های غیر جدی می‌دانند مثل ملا احمد نراقی در «معراج السعاده» و آیت الله مهدوی کنی در «نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی» و بعضی نیز منظور از آن را ابراز محبت و مبالغه در آن می‌دانند. (اسلامی، ۱۳۸۲: ۲۵۶-۲۶۶)

اصل این تعارض در روایات ما چنین مطرح شده است:

«قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ أَكْذِبُ أَهْلِي قَالَ لَأَخْبِرَ فِي الكِذْبِ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عِدَّهَا وَأَقُولُ لَهَا فَقَالَ لَأَجْنَحَ عَلَيْكَ»؛ «مردی به رسول اسلام گفت: من به همسرم دروغ می‌گویم؛ ایشان فرمودند: خیری در دروغ وجود ندارد. مرد گفت به وی وعده دروغ می‌دهم و سخنانی به او می‌گویم. ایشان فرمودند: اشکالی ندارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۲۵۴).

«فَرَوَى التِّرْمِذِيُّ عَنِ النَّبِيِّ ص لَأَجْحِلُ الكِذْبُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ يُحَدِّثُ الرَّجُلُ أَمْرًا لِيَرْضِيَهَا وَ الكِذْبُ فِي الحَرْبِ وَ الكِذْبُ فِي الاِصْطِلَاحِ بَيْنَ النَّاسِ»؛ «ترمذی از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند که دروغ جز در سه مورد جایز نیست؛ مرد به همسرش سخن دروغ بگوید تا او را راضی کند و دروغ در جنگ و دروغ در آشتی برقرار کردن بین مردم.» (همان: ۲۴۳)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱- ازدواج و خانواده در نگاه دین و اخلاق جایگاه رفیعی دارد که باید برای حفظ آن از هر کوششی دریغ نورزید. این جایگاه رفیع را عوامل روان‌شناختی، اقتصادی، جسمانی، دینی، و خانوادگی از درون و بیرون تهدید می‌کند.

۲- از جمله عوامل تهدید کننده خانواده بحث تعارضات اخلاقی است که یک ریشه آن روابط ناسالم جنسی قبل از ازدواج است.

۳- این روابط چه قبل و چه بعد از ازدواج تأثیرات مهمی در روان فرد و خانواده و جامعه می‌گذارد و به عنوان یک ناهنجاری رفتاری کانون خانواده را به تزلزل می‌کشاند.

۴- این روابط ریشه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی متعددی دارد که متولیان فرهنگی و تربیتی باید برای آن طرح و برنامه‌ای تنظیم کنند و بسترهای آن را از بین ببرند.

۵- عمده تعارضات حاصله از این روابط در خانواده عبارتند از:



الف: بیان صادقانه این روابط به خواستگار در فرایند ازدواج یا بعد از آن و یا عدم بیان

ب: ازدواج کردن به خاطر جلوگیری از به گناه افتادن یا عدم ازدواج به خاطر مانع

ج: ادامه یا قطع این روابط به علل شخصی و خانوادگی

د: سقط فرزند حاصله از این روابط یا نگهداری آن

ه: خروج از ازدواج بعد از اطلاع و اقدام حقوقی یا ادامه مسیر زندگی

و: بررسی حد و مرز ارتباط بعد از اطلاع یا عدم بررسی

ز: محدود کردن همسر مرتبط و سلب برخی از آزادی‌های او یا آزاد گذاشتن

ح: دادن امتیازات ویژه به همسر یا ایستادگی در مقابل او

ط: انجام یا ترک مسئولیت‌های زناشویی و خانوادگی

ی: دروغ گفتن مصلحت‌آمیز یا راست فتنه‌انگیز

۶- شاید بتوان مهم‌ترین عامل رشد این ارتباطات را در جامعه ایران، سخت شدن بستر ازدواج، رشد سیل آسای تکنولوژی و تهاجم فرهنگی و شکل‌گیری فرهنگ‌های جدید دانست لذا پیشنهاد می‌شود متولیان فرهنگی به دستور قرآن کریم (نور/۳۲) بستر ازدواج آسان را با تنظیم قوانین حمایتی و حل مشکل مسکن و شغل آماده سازند و در کنار این امر با یک کار فرهنگی منسجم با ابزار رسانه‌ها و آموزش و پرورش، جوانان را از خطرات این روابط و اثرات آن بر روح و خانواده و جامعه آگاه کنند. به وضوح می‌توان ضرورت آموزش آسیب‌ها و مسائل مورد نیاز جنسی و پرورش و آموزش هویت جنسی را در نهاد خانواده و نهاد آموزش و پرورش با رعایت اخلاق و حیا و ملاحظه شرایط سنی دانش‌آموزان و هنجارهای فرهنگی جامعه حس کرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم: نشر داوری چ ۱، ۱۳۸۵.
۴. ———، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳، چ ۲.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول فی اخبار آل الرسول، قم: جامعه مدرسین، چ ۲، ۱۴۰۴ق.
۶. احمدی، علی اصغر، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، چ ۱، ۱۳۷۲.
۷. آذربایجانی، مسعود و دیلمی، احمد، اخلاق اسلامی، قم: نشر معارف چ ۲، ۱۳۷۹.
۸. اسلامی، سید حسن، دروغ مصلحت آمیز، قم: بوستان کتاب، چ ۱، ۱۳۸۲.
۹. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات علمی، چ ۷، ۱۳۹۰.
۱۰. بوسلیکی، حسن، تعارض اخلاق و دانش اصول فقه، قم: بوستان کتاب، چ ۱، ۱۳۹۱.
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
۱۲. ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، چ ۳، ۱۳۸۶.
۱۳. جمعی از نویسندگان، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۱، ۱۳۸۹.
۱۴. جمعی از نویسندگان، جستارهایی در اخلاق کاربردی، قم: دانشگاه قم، چ ۱، ۱۳۸۹.
۱۵. حسینی، داوود، روابط سالم در خانواده، قم: نشر بوستان کتاب، چ ۱۴، ۱۳۸۹.

۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: نشر دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۷.
۱۷. زارعی، رضوان، فصل نامه علمی- تخصصی زلال هدایت، سال دوم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.
۱۸. سالاری فر، محمدرضا، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، قم: نشر هاجر، چ ۱، ۱۳۸۷.
۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۲۰. شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه، بیروت: داراحیاء التراث، چ ۳، ۱۹۸۱.
۲۱. فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی، مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث، قم: نشر دار الحدیث، ۱۳۸۷، چ ۱
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: دار الحدیث، چ ۱، ۱۴۲۹ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، تهران: نشر بین الملل، چ ۱، ۱۳۸۱.
۲۵. ———، اخلاق در خانواده (ج ۳)، قم: مؤسسه امام خمینی، چ ۱، ۱۳۷۸.
۲۶. ———، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم: مؤسسه امام خمینی، چ ۱، ۱۳۸۷.
۲۷. نجارزادگان، فتح الله، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم: نشر معارف، چ ۱، ۱۳۸۶.
۲۸. نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعاده، بیروت: مؤسسه اعلمی، چ ۶، ۱۴۰۸ق.
۲۹. هاشمی علی آبادی، سید احمد، غریزه جنسی از دیدگاه اسلام، تهران: نشر کمال اندیشه، چ ۱، ۱۳۹۰.

همسرگزینی در اندیشه غزالی

سیدرحمان مرتضوی*

«ای برادر چون زن کنی دین گزین نه نام و
خواست، که اگر خواهی آن هر دو تو را وبال
گردد و زن تو را طاعت ندارد. و چون زن خواهی
کام راندن و شهوت مخواه بدان نیت که دین دار
بود و حصن دین تو باشد و یار تو را به طاعت و
پرده، بود تو را از آتش دوزخ برهاند.» (غزالی،
۱۳۷۳ (ب): ۲۶۴).

چکیده

امام محمد غزالی، بخشی از آثار مهم خود را به موضوع همسرگزینی و بررسی مختصات و جوانب آن اختصاص می‌دهد. رویکرد امام محمد به مقوله همسرگزینی متأثر از روش‌شناسی دینی-عرفانی وی و مرتبط با نگاه کلی او به سعادت است. همسرگزینی در اندیشه وی در چهارچوب علوم ظاهری، که خود بخشی از کلیتی به نام علوم دین هستند، مطرح می‌گردد. غزالی در این آثار مسائلی درباره چرایی همسرگزینی، فواید و آسیب‌شناسی آن و ملاک‌های همسرگزینی را مطرح می‌کند.

* - دانشجوی دکتری فلسفه هنر دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس دانشگاه.